بسم الله الرحمٰن الرحیم وله الحمد

پیشگفتار :

پیشگفتار این کتاب را که بیشتر در قالب یک سفرنامه تنظیم شده با شعری زیبا منسوب به مولی امیر المؤمنین علیه السلام آغاز می‌نمائیم :

تَغرّب عن الأوطان في طلب‌العلیٰ وسافر ففي الأسفار خمسُ فوائد
تفرّج هِمٍّ واکتساب معیشة وعلمٌ وآدابٌ وصحبة ماجد[1]

برای رسیدن به بزرگیها باید از وطن دور شوی که فوائدی چند بر سفر مترتب است .

غم واندوه را کاهش می‌دهد وامکان دستیابی به سرمایهٔ زندگی وعلم وآداب وهمنشینی با بزرگان را فراهم می‌آورد .

ناگفته پیداست که این سخن کوتاه تمامی آثار سفر را بیان می‌کند ، آن کس که تاجر است از سفر بهرهٔ مادّی می‌برد ، وآن کس که طالب دانش وعلم است در مصاحبت با عالمان واندیشمندان از خرمن علومشان توشه می‌گیرد ، علاوه که تماشای سرزمینها واقوام وملل وسرگذشت ایشان نه تنها به آگاهی از آداب ورسوم ویژگیهای اخلاقیٰ انسان می‌افزاید که بسی هم می‌تواند عبرت‌آمیز وپندآموز باشد .

---

(۱) دیوان امیر المؤمنین : ۵۳ .

واز این روست که قرآن کریم نیز بیش از ده مورد وبه تعبیرات نزدیک به هم به گردش وسفر دعوت نموده ونتیجهٔ این سیر وسیاحت را همان پند آموزی وعبرت از سرگذشت اقوام مختلف می‌داند

﴿ قل سيروا في الأرض ثمّ انظروا كيف كان عاقبة المكذّبين ﴾[1]

﴿ قل سيروا في الأرض فانظروا كيف كان عاقبة المجرمين ﴾[2]

﴿ أفلم يسيروا في الأرض فيكون لهم قلوب يعقلون بها او آذان يسمعون بها فانّها لا تَعمىٰ الابصار ولكن تَعمىٰ القلوب التي في الصدور ﴾[3]

ودر این آیات بخصوص آیهٔ اخیر ، دوگروه مخاطب قرآن می‌باشند ، یکی آنانکه می‌توانند از اندیشه ونیروی خدادادی عقل استفاده کنند ، ودیگر کسانیکه ظاهربین ودلبستهٔ مشاهدات خود می‌باشند ، واین هردو را قرآن به سیروگردش می‌خواند تا اوّلی در سایهٔ عقل واندیشه ودوّمی با بهره‌گیری از مشهودات وآنچه در طول سیر وسفر می‌بیند خط سعادت وتوفیق خود را در زندگی دریافته ودر آن راه گام بردارد واز قدم نهادن در مسیری که گذشتگان را به هلاکت ونابودی کشانید بر حذر باشد ، واشتباه وخطای پیشینیان را تکرار نکند .

وخلاصه به بیان رسول خدا صلی الله علیه وآله : « سیر وسفر بهترین وسیلهٔ تشخیص وسنجش یک امّت است »[4]

ودرکلامی دیگر فرموده : « سافروا فانکم ان لم تغنموا مالاً أفدتم عقلاً »[5]

---

(١) سورهٔ انعام ، آیهٔ ١١ .

(٢) سورهٔ نمل ، آیهٔ ٦٩ .

(٣) سورهٔ حج ، آیهٔ ٤٦ .

(٤) مکارم الأخلاق : ٢٤٠ .

(٥) مکارم الأخلاق : ٢٤٠ .

اگر در سفر بهرهٔ مادی نباشد توانائی اندیشه را افزون می‌کند .

گو اینکه بشر به حکم غریزه وشعور انسانی مصلحت وضرورت بسیاری از امور را درک می‌کند ولی قرآن ووحی الهی وهمچنین پیامبران وائمهٔ طاهرین علیهم‌السلام بنابر وظیفه ارشادی درکلماتی بسیار زیبا وگویا این ارتکاز راگشوده ویا بیانات شیرین وپر حلاوت خود آنچه راکه در مکنون خاطر وضمیر آدمی نهفته است ابراز می‌دارند ، واز آن جمله است سیر وسفر ونیاز مادی ومعنوی انسان به مسافرت ، وسخنانی که در متون اسلامی پیرامون آن به دست ما رسیده است .

چنانچه از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمودند :

في حكمة آل داود : « ان على العاقل ان لا يكون ظاعناً الاّ في ثلاث : تزوّد لمعاد ، او مرمة لمعاش ، او لذة في غير محرّم »[1] .

در نصایح آل داود چنین آمده که : انسان عاقل برای سه هدف به سفر می‌رود : یا بهرهٔ معنوی برگرفتن وکار آخرت را سامان دادن ، ویا امر معیشت وزندگی را ترمیم نمودن ، ویا جسم وروح را از لذّت گشت وگذار در غیر حرام سیراب کردن .

می‌بینیم که هم بر نیاز انسان به سفر تأکید می‌کند وهم به سیر وسیاحت هدف وجهت می‌بخشد .

ودر کلامی دیگر برای آنانکه جز با انگیزه‌های معنوی والهی تصمیم نمی‌گیرند واغراض مادی راکافی نمی‌دانند ، واساساً تعبد را سرلوحهٔ اهداف خود قرار داده‌اند می‌فرماید .

قال رسول الله علیهم‌السلام : « لو يعلم الناس برحمة الله للمسافر لأصبح الناس

---

(۱) مكارم الأخلاق : ۲۴۰ .

علی ظهر سفر إنّ الله بالمسافر رحیم »[۱] .

اگر مردم از لطف ورحمت الهی نسبت بمسافر آگاه بودند شبانه بار سفر می‌بستند چه اینکه خداوند نسبت به مسافر لطف خاص دارد .

ودر هر حال برای اینکه سخن از رسم مقدّمه نگاری فراتر نرود به این بحث خاتمه می‌دهیم .

دربارهٔ کتاب

سفرنامه‌ای که در پیش روی دارید آغازی بس جالب توجه دارد چه اینکه مؤلف سفر پانزده سالهٔ خود را به عنوان یک سیر وگردش علمی شروع می‌کند ، وبرای فراگیری وتحصیل علم ودانش راهی عتبات مقدسه می‌گردد ، وآنچه را در مسیر راه از شهرها وبلاد وآثار وبناهای تاریخی ومذهبی دیده خاطر نشان می‌سازد ، وآنگاه به شرح حال حوزهٔ علمیّه وپایگاه عظیم عالم تشیع (**نجف اشرف**) ورجال علمی وبزرگان شیعه که اکثراً بازماندگان وشاگردان جدّش « وحید بهبهانی » بودند می‌پردازد .

ومهم آنکه در طول این مدّت حادثهٔ شوم وخطرناک اوّلین یورش فرقه وهابیّه به عراق را درک نموده ، وبه همراهی استاد خود مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء وسایر علما وطلاّب مسلّحانه به دفاع از حریم نجف به مدّت چهار ماه اهتمام نمودهٔ تا آن تهاجم به شکست منتهی می‌شود .

---

(۱) ربیع الأبرار : ۲ / ۳۹۳ .

ودر حملهٔ دوّم که به دلیل تصادف با ایام کسالت ووفات پدر بزرگوارش مرحوم آقا محمد علی کرمانشاهی در نجف حضور نداشته ودر کرمانشاه خدمت پدر بودند رساله‌ای در ردّ افکار مسموم وانحرافی وهابیّت تألیف نموده که در خلال این سفرنامه آورده شده است ، واساساً این روش مؤلف است که هر کجا قدم نهاده با علما ونام‌آوران از هر فرقه‌ای به بحث وگفتگو نشسته واجمال آن افکار وارشادات خود را برشتهٔ تحریر کشیده است .

چه اینکه وی دانشمندی پر تلاش ومجتهدی توانمند است که در مهد علم وفقاهت تربیت یافته وگواه بر این مطلب شهادت اساتید وتألیفات بر جای مانده از ایشان می‌باشد ، وهمین است که این اثر (کتاب حاضر) را از سایر کتابهای مشابه ممتاز می‌نماید .

وی که با اندوخته‌ای از علم وفقاهت بار سفر به شبه قارهٔ هند را می‌بندد ودر مسیر راه بخش وسیعی از شهرها ومناطق ایران را می‌بیند با استفاده از همان سرمایه وتیزبینی وفراست به شرح حال مردمان واوضاع واحوال روحانیّت شیعه در ایران پرداخته ونقد وتعریف جالب وجامعی در این باب عرضه می‌نماید .

از نامی که برای این کتابش (**مرآة الأحوال جهان‌نما**) برگزیده وفصل نهائی که بر آن افزوده چنین به دست می‌آید که وی را میل ورغبت به ادامهٔ سفر وگشت وگذار به سایر نقاط عالم بوده است که مشکلات زمان وکوتاهی عمر ؛ وی را مجال نمی‌دهد .

مرحوم آقا احمد در این اثر همانطوریکه از مثل او انتظار می‌رود با ریزبینی ودقّت مشاهدات خود را یادآور شده وتوصیف نموده است وشاید بتوان گفت که : کمتر چیزی از چشم تیزبین ایشان پنهان مانده است .

وقتی از طبیعت هر منطقه سخن می‌گوید اقسام گل وگیاه ، واشجار ودرختان ، ومیوه‌های فصلی ، وحیوانات عجیب الخلقه ومعمولی ، تا وضعیّت آب وهوا ورود ودریا وبیشه وجنگل آن ناحیه را وصف می‌نماید .

زیبا آنکه در همین مقام از ذکر موعظه در نقل عجائب خلقت دریغ نمی‌ورزد .

وآنگاه که به شرح حال اجتماع واخلاق وآداب وسنن هر قوم می‌پردازد از ساده‌ترین سنّت اجتماعی اغماض نمی‌کند .

به خصوص هند که به تنهائی دنیائی است از آراء وعقائد ومذاهب وبالطبع رسوم وآداب مختلف ؛ همه را با نکته سنجی وبصیرت ویژهٔ خود دریافت کرد ، ودر موقع لزوم به نقد ووعظ می‌پردازد .

واز آنجا که وی عالم ومروّج مذهب تشیع است وخود را در قبال همهٔ انسانها خاصه مسلمین وشیعیان مسئول می‌داند ، خرافات وخلافهای متداول در بین شیعیان را مطرح کرده واز چگونگی مبارزهٔ خود با آنها ؛ وایفای وظیفهٔ ارشاد وهدایت مردم شرح مبسوطی ذکر می‌نماید ، وچون دارای مقام علمی واز طرفی هم نوادهٔ مرجع معاصر جهان تشیّع مرحوم وحید بهبهانی ﷺ بوده نیز بسیار مفید ومؤثّر واقع شده است .

از همهٔ اینها که بگذریم بگاه سخن از سیاست وحکومت با دقّت ووسواس وضع گذشته وحال اوضاع هر منطقه را شرح می‌دهد وسپس چون دوران اقامت وی در هند همزمان با روزگار حکومت کمپانی هند شرقی ، وبه عبارت بهتر سلطه استعمار انگلیس است ابتداء به بررسی تاریخ انگلیس وخصائص اخلاقی آن ملّت وشیوهٔ حکمرانی ومملکت‌داری آنان پرداخته واز سلوک ورفتار ایشان با

طبقات مختلف مردم آنچه را دیده وظاهر بوده است بیان نموده ، وسپس با تیزهوشی وذکاوت اساس ومبنای حکومت استعمارگر انگلیس راکه همان تزویر وحیله‌گری است بخوبی دریافته وبدان تصریح می‌نماید[۱]

ودر مواردی هم به نقد روشها ومبانی حکومت ایشان پرداخته است[۲]

ودر پایان کتاب ؛ فصلی به عنوان (نصایح) گشوده است ودر آن هرچه را که شایستهٔ زعامت وریاست وزمامداری مردم است مستوفیٰ بیان کرده واز موجبات وعوامل سقوط حکومتها تحذیر نموده است .

ناگفته نماند که در آغازکتاب وقبل از ورود در فصول سفرنامه بخشی را به شرح حال پدران ، ونیاکان خود از مجلسی اوّل ودوّم ، ملا محمد صالح مازندرانی ، وحید بهبهانی ، آقا محمد علی کرمانشاهی وبرادران خود وغیرهم رحمهم الله اختصاص داده ، واز آنجاکه گفته‌اند « اهل البیت ادریٰ بما في البیت » این بخش نیز می‌تواند از نظر تاریخی مستند ومأخذ صحیح تمامی کسانی باشد که علاقمند به تحقیق وتفحّص در تاریخ رجال‌اند .

---

(۱) « القصه : امور سلطنت با زیاده از چهارصد نفر است ، وتا بر امری از کلّی وجزئی تمام متّفق نشوند در مملکت جاری نشود وآنچه قرارداد شود درکتب ضبط کنند ودر میان رعیّت منتشر سازند ، وآن کتب را آئین نامند ، وفی الحقیقه اگر چه آئین ایشان در ظاهر مانند مار خالی از صفائی نیست ، ولکن چون تصوّرکنی بجز خدعه ومکر چیز دیگر در آن نیست ، وتمام ناشی از آن است که عجله در مزاج ایشان نیست ، آنچه راکه سایر فرق در روزی کنند ایشان در سالها به انجام رسانند » .
کتاب حاضر : ۲ / ۷۸۱

(۲) « وحق آن است که در امور مملکت‌داری آنچه از اتّفاق می‌شود از چیز دیگر نمی‌شود ، وفرقهٔ انگریز اگر چه به ظاهر در دین حضرت عیسیٰ علیه السلام‌اند ، ولکن به جز آنکه درکلیساها ناقوس زنند وهفته‌ای یکبار در روز یکشنبه بعضی از عوام الناس وتهیدستان به معابد روند ، چیزی دیگر از احکام در میان ایشان مشهود نیست ... » .
کتاب حاضر : ۲ / ۷۸۴ ـ ۷۸۵

شرح حال مؤلف

آقا احمد بن محمّد علی بن محمّد باقر وحید بهبهانی رحمه‌الله در محرّم سال ۱۱۹۱ در کرمانشاه متولّد شده وتا ۲۰ سالگی از محضر پر برکت پدر بزرگوارش آقا محمّد علی کرمانشاهی وبرادر مهترش آقا محمّد جعفر کسب فیض وتحصیل دانش کرده وسپس به قصد ادامهٔ تحصیل به نجف اشرف عزیمت فرموده ونزدیک به ۱۰ سال در نجف وقم از محضر مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء ومیرزای قمی رحمهما الله استفاده کرده وبالاخره طبع بلند علم جویش او را به مشهد مقدّس کشانده وپس از زیارت بارگاه حضرت ثامن الأئمّه علیه‌السلام وکسب اجازه از تربت پاک آن امام معصوم به هندوستان می‌رود[۱].

در سال ۱۲۲۵ به کشور بازگشته وبار دیگر به عتبات مقدّمه سفر می‌کند وبه مطالعات دیگری می‌پردازد که به موقع از آنها نامبرده خواهد شد.

او را عالمی تیزهوش وموشکاف ودانشمندی ژرف‌نگر وپرتلاش می‌شناسند که نسبت به اعلای دین ومذهب ساعی واز انجام وظیفهٔ ارشاد وتبلیغ رویگردان نبوده است، وما در این خصوص قلم را در اختیار صاحبنظران می‌گذاریم شاید بهتر انجام وظیفه کرده باشیم.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی او را چنین معرّفی می‌کند:

«المترجم احد حسنات عصره وفضلاء زمانه ...»[۲].

---

(۱) کتاب حاضر: ۱ / ۱۸۶.

(۲) کرام البرره: ۱ / ۱۰۰.

او یکی از بهترین‌های آفرینش واز عالمان عصر خود بوده .

صاحب اعیان الشیعه در شرح حال ایشان اجازه‌ای از سید محمد مجاهد صاحب مناهل نقل می‌کند که دلالتی روشن بر شهادت واذعان وی به مقام علمی وفقهی واجتهاد ایشان دارد .

متن اجازه چنین است :

امّا بعد فانّ ابن خالي صانه الله تعالى من شرّ الايّام والليالي وهو الأعلم الأفضل الأكمل الذي بلغ في تحقيق غايته وفي التدقيق نهايته الأمجد الأرشد المدعوّ بـ(آقا احمد) الجامع لجميع الكمالات الحسنة والصفات المستحسنة من العلوم العقلية والنقلية والفقه والأصول والحديث والتقوى والورع وترويج الدين والانقياد الى المعصومين عليهم السلام قد امرني بمطالعة شطر من تصانيفه الشريفة وجملة من تآليفه الجميلة فبادرت اليه امتثالاً للامر الشريف فوجدت ذلك في غاية الحسن والجودة لاشتماله على تحقيقات فائقة وتدقيقات جيّدة بعبارات موجزة عذبة فتحقّقت انه من اهل الاجتهاد والملكة والاستعداد وقد استجازني مع انني لست من اهلها ولا ممن يحوم حولها فأجزت له وفّقه الله تعالى بمقرّراتي ومسموعاتي ومؤلّفاتي من الأصول والفقه والحديث وغير ذلك (انتهى)[1] .

این اجازه بر خلاف آنچه یکی از نویسندگان معاصر استفاده کرده گویای اعتراف به نبوغ واعلمیّت وواجدیّت ملکهٔ اجتهاد واستنباط است .

وبر اهل فن پوشیده نیست که اگر کسی این ملکه را تحصیل کرد تقلید بر او

---

(۱) اعیان الشیعة : ۳ / ۱۳۶ .

حرام وصلاحیّت وشایستگی مقام افتاء را به دست می‌آورد.

واینکه اگر کسی احاطه بر آراء وانظار فقهاء را نداشته باشد مجتهد است یا نه ؟ پاسخش باز بر اهل اطّلاع مخفی نیست زیرا در هر رشته‌ای از علم ودانش صاحب نظر به کسی می‌گویند که توانائی رفع اشکالات وشبهات را از نظر ورأی منتخب خود داشته باشد وقدرت نقد وردّ ومقابله با نظر مخالف را تحصیل کرده باشد ، در غیر این صورت اطلاق کلمهٔ صاحب نظر ومجتهد صحیح نخواهد بود ، مضافاً که بدیهی است ممارست در یک رشته از دانش وپرکاری وزحمت واطّلاع بر آراء ونظرات موافق ومخالف ؛ عالم ودانشمند در آن فن را از یک پختگی وصلاحیتی برخوردار می‌سازد که قهراً دیگران را در قبال احاطهٔ علمیّتش به خضوع وادار می‌نماید.

واین از افتخارات فقه شیعه است که با حوصلهٔ تمام ، آراء وانظار همهٔ مذاهب را آنچنان مورد نقد وتحقیق قرار داده بطوریکه شاگردانی که در این مکتب دقیق فقهی تربیت می‌شوند فقیه وملاّی هیچ مذهبی را یارای مقابله ورویاروئی با ایشان نیست.

البته آنچه مرقوم آمد مورد تصدیق تمامی اهل فن ودانش فقه شیعه است وهرگز این مغالطه که در زمان شیخ طوسی وسیّد مرتضی چنین نبوده است پذیرفته نیست ، زیرا اجتهاد که در اصطلاح ما همان تلاش وجهد برای دستیابی به اقوال ائمهٔ طاهرین علیهم‌السلام است هرچه به سرچشمه وعصر معصوم نزدیکتر باشد طبعاً زحمت کمتر وراه کوتاهتری دارد ، به خلاف عصر ماکه بُعد مسافت ودوری راه والقاء خلافها وشبهات سعی وکوشش فراوانتر وتلاش وتحقیق بشتری را می‌طلبد.

بنابر این جهت رسیدن ونیل به این مقام وتحصیل ملکهٔ اجتهاد بر خلاف سایر علوم نظری علاوه بر تأییدات الهی نیازمند به صرف وقت بسیار وعمری با برکت می‌باشد .

ناگفته نماند که بحث در این موضوع محتاج به توضیح وتفصیل بیشتری است که انشاء الله در مقدمه کتب فقهی واصولی راجع به آن گفتگو خواهد شد .

برگردیم به اصل مطلب ، دائرة المعارف بزرگ اسلامی دربارهٔ مؤلف می‌نویسد :

آقا احمد بن محمد علی بهبهانی کرمانشاهی فقیه اصولی ، ریاضی‌دان ، فیلسوف ، عارف ، شاعر واز عالمان بنام آل آقا ...[۱] .

ریحانة الأدب : آقا احمد پسر آقا محمد علی نیز از اکابر علمای وقت ...[۲]

واز آنجا که فوائد الرضویة ودیگران عمدهٔ مطالب خود را دربارهٔ ایشان از همین کتاب (مرآة الأحوال جهان‌نما) گرفته‌اند لذا برای اطّلاع بیشتر از احوالات ایشان به صفحات « ۱۸۵ ـ ۸۸۳ » کتاب حاضر مراجعه فرمائید .

مترجم به نقل اعیان الشیعه ، ریحانة الأدب والکنی والألقاب در تاریخ ۱۲۴۳ ، وبه نقل مصفّی المقال در تاریخ ۱۲۳۵ ـ که مطابق است با (**وافاك يا رضوانها احمد**) ـ چشم از جهان فرو می‌بندد ودر کرمانشاه در جوار مرقد والد بزرگوارش مرحوم آقا محمد علی کرمانشاهی بخاک سپرده می‌شود ، وجهان علم وفضیلت وتشیّع را در فقد عالمی روشن‌بین ودلسوز ـ که در طول حیات کوتاه وپرثمرش متجاوز از سی تألیف از خود بیادگار نهاده ـ داغدار می‌سازد .

---

(۱) دائرة المعارف اسلامی : ۱ / ۵۴۰ .

(۲) ریحانة الأدب : ۳ / ۳۹۹ .

تأليفات آقا احمد

١) عقد الجواهر الحسان .

٢) رساله در جواب مسائل مرشد آباد .

٣) رساله در بيان فضيلت علم امام عصر (عج) .

٤) رساله فيضيه در جواب مسائل علماء فيض آباد .

٥) رساله در ولادت ووفات ائمه عليهم السلام .

٦) رساله صلاة وصوم .

٧) تنبيه الغافلين .

٨) كشف الريب والمين عن حكم صلاة الجمعة والعيدين .

٩) كشف الشبهة عن حكم المتعة .

١٠) مناهج الأحكام في القضاء والشهادات .

١١) قوت لا يموت .

١٢) شرح مختصر النافع .

١٣) شرح بر خلاصة الحساب .

١٤) شرح كتاب مختصر النافع .

١٥) تحفة المحبّين .

١٦) محمودية في شرح الصمدية .

١٧) الدرر الغروية في الاحكام الالهيّة .

۱۸) ربیع الازهار .

۱۹) مخزن القوت في شرح قوت لا یموت .

۲۰) تحفة الإخوان .

۲۱) تاریخ نیک وبد ایام .

۲۲) جدول در شکوک صلاة .

۲۳) غزواة امیر المؤمنین علیه السلام .

۲۴) تفسیر قرآن مجید .

۲۵) مرآة الأحوال جهان‌نما .

۲۶) تعلیقه علی تفسیر البیضاوی .

۲۷) حاشیه بر انوار التنزیل .

۲۸) مناهج الفقه .

۲۹) رساله سؤال وجواب .

۳۰) نور الأنوار در شرح بسمله .

۳۱) کتابی در مناقب ائمهٔ اطهار علیهم السلام .

۳۲) رساله در ردّ حرمت متعه .

۳۳) تاریخ المعصومین .

کتاب حاضر

یکی از تألیفات ارزشمند آقا احمد کتاب حاضر است که یکبار بسال ۱۳۷۰

شمسی بخشی از آن متأسفانه به صورت ناقص وتحریف شده منتشر گردید واز آنجا که اعتقاد ما بر این است آثار گذشتگان آنگونه که هست وباقی مانده بدون هیچ کم وکاست وبا رعایت امانت ، وبدور از اعمال سلیقه واغراض شخصی تحقیق وچاپ ، ودر اختیار دانش دوستان واندیشمندان قرار بگیرد ، لذا بر آن شدیم تا با تحصیل نسخه‌های متعدّد وسعی وافر در مقابله وتحقیق آن ، کتاب (مرآة الأحوال جهان‌نما) را طبع نموده ودر اختیار همگان قرار دهیم .

برای چاپ این کتاب از نسخه‌های ذیل در مقابله وتصحیح استفاده شده است .

۱ ـ نسخهٔ (الف) به شمارهٔ ۲۸۴۵ ، کتابخانهٔ ملّی تهران .

۲ ـ نسخهٔ (ب) به شمارهٔ ۱۴۶۶ ، کتابخانهٔ ملّی تهران .

۳ ـ نسخهٔ (ج) به شمارهٔ ۵۷۱۶ ، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران .

۴ ـ نسخهٔ (د) [که اصل آن در کتابخانهٔ استاد سعید نفیسی است وبه صورت میکرو فیلم] به شمارهٔ ۲۸۸۶ ، درکتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود .

در صفحات بعد کلیشهٔ هر یک را ملاحظه می‌فرمائید .

در پایان ضروری است زحمات حضرات حجج اسلام ***آقایان شیخ عبدالله محمّدی مازندرانی وسیّد حسن میرحسینی*** را در امر تحقیق ارج نهاده وبرای همگان از درگاه حضرت باری جلّ وعلا توفیق روزافزون مسئلت نمائیم .

ذکر این نکته نیز لازم است که مؤسسه علامهٔ مجدّد وحید بهبهانی رحمه‌الله بر آن است که تمامی آثار علماء این بیت را بر طبق احصاء وفحص محقّقین این مؤسسه که متجاوز از ۳۰۰ اثر است به تدریج تحقیق ودر اختیار علماء

ودانشمندان قرار دهد ، بدین منظور تلاش بی‌وقفه‌ای را در تدارک نسخه‌های خطی مربوطه وتحقیق آنها آغاز کرده ویکبار دیگر تقاضا دارد چنانچه کسی یا مؤسسه‌ای در مقام تحقیق ویا نشر یکی از آثار ایشان می‌باشد ، قبلاً با مؤسسه هماهنگ نموده تا از دوباره‌کاری وتکرار جلوگیری شود ودر صورت لزوم از منابع وکتب خطی که در اختیار این مؤسسه است استفاده نمایند .

در خاتمه از همهٔ صاحبنظران واندیشمندان ضمن دعوت به همکاری ؛ تقاضامندیم از ارشاد وراهنمائی به هنگام برخورد با خطا ولغزش دریغ نفرمایند .

والسلام علی عباد الله الصالحین

۲ ذیحجه الحرام ۱۴۱۴

۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۳

مؤسسهٔ علامهٔ مجدّد وحید بهبهانی رحمه‌الله